

## تأملی نو بر ساختار حاکمیتی اشکانیان؛ ملوک‌الطوایفی یا حکومت مرکزی؟! (با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی)

سامان فرزین<sup>۱</sup>، مریم ظهوریان<sup>۲</sup>، حسین کوهستانی<sup>۳</sup>، فرشته آذر خرداد<sup>۴</sup>

### چکیده

یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث در دوران تاریخی ایران، حکومت‌داری اشکانیان بوده که به دلیل کمبود مدارک و بسنده کردن به آثار تاریخ‌نویسان یونانی و رومی بیشتر پژوهشگران حکومت این دوره را غیر متمرکز و به صورت ملوک‌الطوایفی و یا فئودالی بیان می‌دارند. در صورتی که شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد نظام متمرکز در این دوره وجود داشته است. برای پاسخ به این پرسش که نظام حکومت‌داری اشکانیان بر اساس شواهد باستان‌شناختی می‌تواند به عنوان نظام متمرکز محسوب گردد؟ در ابتدا به تعاریف و ویژگی‌های نظام بسیط متمرکز و غیر متمرکز که تاکنون در هیچ پژوهشی بدان پرداخته نشده است می‌پردازیم، سپس ویژگی‌های نظام ملوک‌الطوایفی، فئودالی و همچنین فدرالی را مورد بررسی قرار داده، سپس با مطالعه تطبیقی تعاریف مذکور با شواهد به‌جای‌مانده از این دوران به تحلیلی متقن در باب ماهیت حکومت‌داری اشکانیان می‌پردازیم. بر این اساس می‌توان گفت استفاده نام پادشاه برای مناطق نیمه‌مستقل بر اساس برداشت و نوع حکومت‌داری تاریخ‌نویسان رومی و یا یونانی بوده و آن را نمی‌توان دلیل متقنی بر ملوک‌الطوایفی اشکانیان و یا شاه‌گزینی منطقه‌ای در این دوره دانست. علاوه بر آن - چه که بیان شد این پژوهش که با روش تطبیقی - تحلیلی انجام می‌پذیرد به بررسی ویژگی‌های نظام‌های حکومتی بیان شده و تطابق آن با شواهد باستان‌شناختی به‌جای‌مانده از دوران اشکانیان نیز می‌پردازد. همچنین با بررسی در نظام فئودالیت و تطابق با نظام اقتصادی دوره مذکور، حکومت اشکانیان دارای نظام قانون‌گذار بوده و با توجه به قدرت پادشاه، نظام قانون‌گذاری مرکزی یا به صورت بسیط متمرکز و یا بسیط غیر متمرکز عمل کرده است که در نظام بسیط غیر متمرکز نیز به نوبه خود عامل سیاسی و قانون‌گذاری متمرکز بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** حکومت اشکانی، بسیط متمرکز، غیر متمرکز، فئودالیت، ملوک‌الطوایفی.

**ارجاع:** فرزین س.، ظهوریان م.، کوهستانی ح.، آذر خرداد فرشته. ۱۴۰۰. تأملی نو بر ساختار حاکمیتی اشکانیان؛ ملوک‌الطوایفی یا حکومت مرکزی؟! (با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی). نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۶ (۱): ۱۴۵-۱۶۰.

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

۳- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

۴- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

\* نویسنده مسئول: farzin@birjand.ac.ir

## مقدمه

اشکانی‌ها در واقع وارث سنت هخامنشان بوده که با تسامح مذهبی و احترام به اقوام به حکومت خود پرداختند. این اشکانیان بودند که سنت کهن را به دوره ساسانی انتقال داده‌اند. متأسفانه در متون اسلامی و پهلوی آن‌چه که از این دوره بیان می‌گردد چیزی دور از واقعیت است و در حقیقت این دوره را تداوم حکومت یونانی دانسته و متأسفانه بیگانه از سنن ایرانی معرفی شده است که در هر گوشه از آن شاهکی حکومت می‌کرده و پادشاهان به صورت غیر متمرکز به حکومت‌داری در این دوره می‌پرداختند. دلیل این امر را می‌توان دشمنی ساسانیان و دستگاه تبلیغاتی آن‌ها در پیدایش چنین دیدگاهی بیان کرد که در این امر حتی به داستان‌های ساختگی نیز می‌پرداختند (زرین کوب و نادری، ۱۳۹۳: ۴۵)، همچنین نفوذ خاندان‌های بزرگ، ایجاد مجلس در این دوره و وجود شاهک‌های محلی در مناطق نیمه‌مستقل هم‌چون الیمایی‌ها را دلیلی بر ادعای عدم تمرکز و وجود نظام ملوک‌الطوایفی بیان می‌دارند در صورتی که حتی در دوره ساسانی با توجه به کتیبه‌های اردشیر و شاپور نشانی از کاهش قدرت بزرگان و قدرت استبدادی متمرکز پادشاهان نیست به‌ویژه آن که در دوره ساسانی خاندان‌های بزرگ دارای قدرت نفوذ و امتیاز بوده‌اند (همان: ۴۷). بر این اساس در این پژوهش که به شیوه تطبیقی - تحلیلی صورت می‌پذیرد سعی گردید که به بررسی و تحلیل نظام‌های حکومتی هم‌چون نظام بسیط متمرکز و غیر متمرکز، ملوک‌الطوایفی و فئودالیت به پرداخته گردد، سپس با توجه به شواهد و مدارک باستان‌شناختی به‌جای‌مانده از دوران اشکانی به مطالعه تطبیقی با ویژگی‌های نظام‌های مورد نظر می‌پردازیم تا بر اساس آن به اساسی‌ترین پرسش‌های پژوهش پاسخی درست ارائه شود:

۱) وجود خاندان‌های قدرتمند در نظام حکومتی مختص به دوره اشکانی بوده و وجود مجلس دلیلی متقن از نظام فئودالیت در این دوره است؟ ۲) با توجه به قرائن و مدارک به‌جای‌مانده از دوران اشکانی کدام شیوه حکومت‌داری برای این دوره محتمل‌تر می‌نماید؟ برای پاسخ به سوالات مطرح‌شده در این پژوهش در ابتدا به نفوذ خاندان‌ها در دوره‌های مختلف پرداخته شد و مشخص شد تنها در این دوره و به صورت یک‌باره و تحت تأثیر فرهنگ یونانی و رومی خاندان‌ها، صاحب نفوذ و امتیاز از سوی قدرت مرکزی نشده‌اند و حتی ما در دوره‌های مختلف، قبل از

اشکانیان شاهد شوراهایی از خاندان‌های بزرگ و نفوذ در قدرت مرکزی هستیم. علاوه بر آن‌چه که بیان شد وجود شواهد باستان‌شناختی هم‌چون سکه‌ها و ضرابخانه‌ها به‌ویژه در مناطق قدرتمند و نیمه‌مستقلی هم‌چون الیمایی‌ها و همچنین وجود نقش برجسته‌ها که در آن اعطای قدرت از سوی شاه به حاکمان محلی نشان داده می‌شود دلیلی است بر قدرت و نظارت حکومت مرکزی بر ایلات متصرفه که بر اساس قدرت پادشاه یا به صورت بسیط متمرکز و یا بسیط غیر متمرکز صورت می‌پذیرفته است.

## پیشینه تحقیق

با توجه به قلت منابع موجود از دوران اشکانی، متأسفانه هیچ‌یک از منابع تصویر واضحی از نظام اداره سیاسی اشکانیان را در اختیار ما قرار نمی‌دهند. بر این اساس در این بخش به کتب و مهم‌ترین مقالاتی که در این زمینه اشاره شده است، پرداخته می‌شود؛ چراکه ذکر همه منابع خارج از حوصله بحث است. در این راستا از مهم‌ترین کتاب‌هایی که به ساختار حکومتی این دوره اشاراتی کرده‌اند می‌توان به نوشته‌های یوزف ویسهوفر در کتاب «ایران باستان»، مالکوم کالج در کتاب «اشکانیان»، وزف ولسکی در کتاب «شاهنشاهی اشکانی»، آلفرد فن گوتشمید در کتاب «تاریخ ایران و ممالک هم‌جوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان»، لوکونین در کتاب «ایران باستان از اشکانیان تا فروپاشی ساسانیان»، تاسیت در کتاب «تاریخ اشکانیان»، محمد حسن پیرنیا در کتاب «تاریخ ایران باستان» و اعتمادالسلطنه در کتاب «تاریخ اشکانیان» و یعقوب محمدی‌فر در کتاب «باستان‌شناسی و هنر اشکانی»، شروین وکیلی در کتاب «تاریخ سیاسی شاهنشاهی اشکانی»، محمد رحیم شایگان در کتاب «اشکانیان و ساسانیان» اشاره کرد. اگرچه این کتب اطلاعات بسیار ارزشمندی از دوره اشکانیان در اختیار ما قرار می‌دهند لکن به صورت متقن به بیان چگونگی ساختار سیاسی و حاکمیتی اشکانیان پرداخته نشده و در اکثر این کتب شیوه ملوک‌الطوایفی بیان شده است. در زمینه مقالات نیز می‌توان به مقاله «شاه‌گزینی در دوره اشکانیان...» از سوی محمد تقی فاضلی و فرزانه احمدی، «مبانی و ریشه‌های مشروعیت در دوره اشکانی» از فرشید نادری، «نقش خاندان‌های کهن در فراز و فرود سلسله‌های ایرانی»

حکومتی اشکانی به تحلیل درست‌تر در این زمینه دست-یابیم.

همان‌طور که می‌دانیم سازمان‌دهی یک کشور از طریق اعمال قانون از طریق نهادهای قانون‌گذار که دارای بالاترین درجه قدرتی هستند صورت می‌پذیرد حال این قدرت و اختیار به‌صورت جبری است یا از طریق واگذاری قدرت از سوی ملت به حکومت بوده است؛ یعنی آنکه در نظام شاهنشاهی تنفیذ قدرت اجباری و بدون دخالت مردم می‌باشد. حال برای سازمان‌دهی حکومت می‌توان سه گزینه را مطرح کرد: نوع بسیط یا تک ساخت، نوع فدرال و محلی که با توجه به حکومت پادشاهی نوع بسیط برای آن مطرح می‌گردد. حکومت‌های بسیط از حیث تمرکزگرایی در کنترل اقتدار سیاسی به دو گروه ذیل تقسیم می‌شوند:

۱- بسیط متمرکز: این نوع دارای نظام سیاسی و اداری متمرکز بوده و تصمیمات سیاسی و اداری در مرکز گرفته می‌شود و سطوح پایین نقش اجرایی را دارند.

۲- بسیط غیر متمرکز: در این نظام سیاسی و قانون-گذاری متمرکز، ولی از نظر اداری و خدماتی غیر متمرکزند و برای اداره امور بیشتر به دولت‌های محلی اصالت می‌دهند (Hafeznia & Kavianirad, 2003: 27).

البته باید اذعان داشت که حتی در سیستم‌های بسیط متمرکز برای کشورهای دارای تنوع محیط جغرافیایی و تکرر گروه‌های انسانی نشان می‌دهد که این سیستم‌ها با چالش‌هایی چون فقدان عدالت جغرافیایی، فقدان یک‌پارچگی و تجانس ساختاری و کارکردی فضا، مشارکت مقطعی و دولت محور، بروکراسی شدید، چالش‌های ناحیه‌ای و محلی، توسعه کند و ناپایدار، شبکه ارتباطی متمرکزگرا، بزرگ شدن کانون سیاسی کشور و کانون ناحیه‌ای تحت تأثیر تمرکز سرمایه و پول، تمرکز نهادهای حکومتی در مرکز مواجه است (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۴).

نکته بسیار مهم دیگری که باید بدان پرداخت ارتباط قدرت سیاسی و تقسیمات کشوری است. چنان‌چه الگوی بسیط و متمرکز در مدیریت سیاسی فضا حاکم باشد سازمان سیاسی فضا به‌صورت عمودی است و چنان‌چه الگوی مرکب و نامتمرکز در مدیریت سیاسی فضا حاکم باشد سازمان فضا‌گرایی به پخش افقی و استقلال واحدهای فضایی دارد (همان: ۲۲).

از محمد تقی ایمان‌پور و نجم‌الدین گیلانی، «نگاهی تحلیلی بر نظام فئودالیسم در اروپا و ایران» از ابراهیم شرافتی مقدم و «اشکانیان و سنت‌های کهن ایران» از روزبه زرین‌کوب و فرشید نادری اشاره کرد. در این مقالات ارزشمند هر کدام به‌نوعی به چگونگی انتخاب پادشاه در این دوره، حضور خاندان‌ها در دوره اشکانی و حتی نگاه فئودالیستی در ایران بحث شده است، اما به‌صورت مقطعی بوده و بر اساس شواهد باستان‌شناختی نیز صورت‌نپذیرفته است. بر این اساس بر آن شدیم تمامی آیتم‌های تحلیلی بر نظام ساختاری حکومتی در دوره اشکانی را مجدداً بررسی و بر اساس شواهد باستان‌شناختی به نزدیک‌ترین گزینه برای تحلیل نوع ماهیت ساختاری حکومتی در این دوره اشاره کنیم که این امر به خودی خود هم ضرورت و هم نوآوری در این پژوهش را بیان می‌دارد.

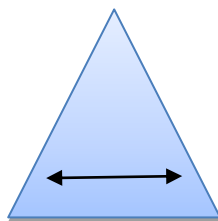
## روش پژوهش

مقاله پیش رو، از حیث ماهیت از جمله پژوهش‌های بنیادین بوده و از نظر روش تحقیق با اتخاذ از رویکرد رهیافت تاریخی صورت گرفته است، همچنین در این پژوهش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بوده و تمامی مباحث تئوری و نظری به کار رفته شده در این پژوهش، از منابع دست اول اقتباس شده است. با توجه به موضوع و عنوان مقاله، نگارندگان علاوه بر استفاده از منابع باستان‌شناختی و آثار مورخان، از دیگر منابعی چون علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی نیز بهره‌جسته‌اند. در این نوشتار سعی بر آن است که با تحلیل داده‌های باستان‌شناختی و نه تنها با تکیه بر تحلیل مورخان، به تحلیل درست در زمینه ماهیت حکومت ساختاری اشکانیان دست‌یابند.

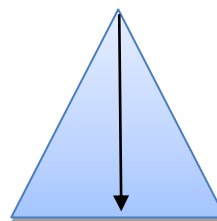
## ۱- بررسی ساختارهای حاکمیتی

### ۱-۴- ساختار نظام حکومتی بسیط متمرکز و غیر متمرکز

یکی از مباحثی که در زمینه حکومت‌داری دوران اشکانی بیان می‌گردد عدم تمرکزگرایی در نظام این دوره است، که در این بخش به ویژگی‌های دو نظام بسیط متمرکز و غیر متمرکز می‌پردازیم تا با شناخت آن و تطابق با نظام



رابطه سیاست غیر متمرکز با سازمان فضا (حالت افقی) (ماخذ:



نمودار ۱- رابطه سیاست متمرکز با سازمان فضا (حالت عمودی)

نگارندگان)

می‌گردد باید زمینه‌های عدم تمرکز را بیان نمود و نه اطلاق کلی به تمامیت حکومتی یک دوره.

#### ۲-۴- بررسی ساختار نظام حکومتی فئودالیستی

پس از آن که در باب نظام متمرکز و غیر متمرکز و همچنین نوع حکومت‌داری به صورت مختصر بحث گردید. دو موضوع دیگر نیز در زمینه حکومت‌داری دوره اشکانی مطرح است یکی نظام فئودالیت و دیگری نظام ملوک-الطوائفی. بیشتر محققین اصطلاح فئودالیت بر نظام حکومتی اشکانی را بیان می‌دارند بر این اساس، در این قسمت از پژوهش ابتدا به ویژگی‌های نظام ساختاری فئودالی پرداخته سپس بر اساس شواهد به مطابقت با نظام حاکمیت اشکانی می‌پردازیم.

فئودالیسم یا نظام ارباب رعیتی یا تیول داری است که در نتیجه فروپاشی کمون اولیه با نظام اشتراکی به وجود آمده است. این نظام در کلیه سرزمین‌های جهان، البته در هر جا با ویژگی‌های مشخص خود وجود داشته است (آریان‌پور و کاشانی، ۱۳۸۷). شیوه زندگی فئودالی مبتنی بر مالکیت ارباب بر زمین و بر وابستگی شخصی کشاورزان به ارباب فئودال استوار بود، بنابراین اصطلاح نظام ارباب رعیتی یعنی آمریت یک فئودال بر دهقانی که بر روی ملک او به کشت و کار مشغول بود. در نظام ارباب - رعیتی، الزامی است که با زور مستقل از اداره‌ی تولید کننده، بر او تحمیل می‌شود که برخی درخواست‌های سرورش را به شکل پرداخت جنسی، نقدی یا خدمات بیگاری باید انجام دهد. این عامل مجبور کننده ممکن است نیروی نظامی فئودال و یا سنتی باشد که از حمایت نوعی رویه‌ی قضایی بهره‌مند است (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۴: ۳). در این ادامه برای جلوگیری از گستردگی این بحث تنها به ذکر چند نکته کلیدی در نظام فئودالیسم که قابل مقایسه و تحلیل با

یکی دیگر از موارد بسیار مهم در زمینه تمرکز و عدم تمرکز حکومت مرکزی، بیان لفظ عدم تمرکز است. به طور مثال دولت اشکانی را حکومتی غیر متمرکز دانسته‌اند. در صورتی که حکومت اشکانیان با جنگ و نبردهای بسیار، آن هم با قدرت‌های بزرگی چون سلوکیان و رومی‌ها به سلطنت رسیده‌اند، به دور از واقعیت است که دولت مرکزی در تمام دوران حکومتی خود به صورت عدم تمرکز به حیات خویش ادامه داده باشد آن هم قریب به پانصد سال. حتی اگر بر فرض احتمالات چنین باشد باید بیان کرد که در کدام زمینه عدم تمرکز وجود داشته است؟ چرا که در بیان عدم تمرکز یک حکومت، زمینه‌های مختلفی وجود دارد و اگر این عدم تمرکز در تمامی زمینه‌ها رخ داده باشد فروپاشی صورت می‌پذیرد بنابراین باید زمینه‌های عدم تمرکز را بررسی نمود هم‌چون:

- ۱- عدم تمرکز سازمانی: عدم تمرکز در داخل یک سازمان خاص.
  - ۲- عدم تمرکز اداری: امور محلی توسط مقاماتی که نماینده مردم محل هستند اداره می‌شود.
  - ۳- پراکندگی یا عدم انباشتگی: پراکندگی فیزیکی ادارات و نیروی انسانی از مرکز به مناطق خارج از مرکز.
  - ۴- عدم تمرکز اقتصادی- فنی یا عدم تراکم: استفاده از واحدهای مستقل برای شکستن ساختار قدرت حکومت مرکزی.
  - ۵- منطقه‌ای کردن یا منطقه‌گرایی: تفویض قدرت و اختیار به استان‌ها و شهرستان‌ها.
  - ۶- عدم تمرکز سیاسی.
  - ۷- عدم تمرکز جغرافیای و عدم تمرکز در بازار (تسلیمی و مشعلی، ۱۳۸۴: ۱۶۰).
- بنابراین هنگامی که از عدم تمرکز حکومت مرکزی بحث

نداشت و در مقابل چیزی جز بردگان برای صدور نداشت (بلوخ، ۱۳۶۳: ۱۲۲). نظام پولی نیز هرگز به‌طور کامل از معاملات بازرگانی در اروپای فئودالی غایب نبوده است، اما هرج و مرج‌ها، کار ضرب سکه را وخیم‌تر می‌نمود و هر بازار عمده‌ای که در معرض خطر کمبود پول قرار می‌گرفتند اجباراً یک ضرابخانه محلی مخصوص خود به‌وجود می‌آورد که از اهمیت ارزش پولی به خودی خود می‌کاست. علاوه بر آن سکه‌ها از آن‌جا که از لحاظ وزن و عیار و آلیاژ متفاوت بودند نگرشی غیر مطمئنی به‌وجود می‌آورد و نیز به دلیل گردش بسیار کند و نامنظم سیستم پولی، هیچ‌کس اطمینان نداشت که در صورت داشتن پول الزاماً می‌تواند به وقت نیاز از آن استفاده کند یا خیر (همان: ۱۲۴)، بنابراین مشاهده می‌نماییم که فئودالیسم در تضاد کامل با نهاد سیاسی متمرکز و مستقل قدرتمند است. نکته دیگری که در این بخش ضروری می‌نماید این امر است که گاهی حکومت اشکانی را فدرال و کنفدرال نیز می‌خوانند در صورتی که حکومت‌های استبدادی حال به‌صورت متمرکز و یا غیر متمرکز تفویض قدرت از حکومت مرکزی به حکومت‌های محلی صورت می‌پذیرد (هم‌چون تفویض قدرت به الیمایی‌ها در دوره اشکانی) در صورتی که در سیستم حکومتی فدرال و کنفدرال انتقال قدرت وجود دارد. برای درک بهتر این سخن به توضیح سیستم فدرال می‌پردازیم: «تقسیم قدرت حکومتی بین یک حکومت مرکزی یا ملی و مجموعه‌ای از واحدهای منطقه‌ای که تحت لوای ترتیبات فدرال، هم حکومت ملی و هم حکومت‌های محلی دارای قدرت‌های مستقل از هم برای اعمال بر شهروندان هستند. بدین ترتیب، نه حکومت مرکزی، موجودیت قانونی خود را از حکومت‌های محلی کسب می‌کند و نه می‌تواند نظر خود را به آن‌ها دیکته کند» (تسلیمی و مشعلی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). نکته بسیار مهم که در این قسمت باید بدان پرداخت شود این است که نظام فئودالی در غرب به یک‌باره ایجاد نشده است و به گفته پری آندرسون، گذار از عهد باستان به فئودالیته وجود داشته است به‌طوری‌که در عهد کلاسیک چه در یونان و چه در روم مالکیت اراضی نزد بزرگان بوده و دهقانان و کشاورزان را به بندگی ناشی از بدهی سوق می‌دادند و نجبا تمام تلاش خود را برای اضمحلال طبقه پایین به کار می‌بستند. به‌طور مثال در سده ۱ ق.م نجیب‌زادگان معروفی مانند لوسیوس دمیتریوس بیش از "هزار

نظام‌های حکومتی شرقی به‌ویژه اشکانیان است، می‌پردازیم.

در نظام فئودالیته بعد از فروپاشی امپراطوری روم زمین‌های زیادی میان بزرگان و اشراف تقسیم گشت. بر اساس قانون «ایمونیتاس» هر خاندان یا هر فردی که صاحب این زمین‌ها بود، به‌لحاظ مالی، نظامی، جزایی و اداری مشمول قدرت و اختیارات بود. بنابراین پادشاه که خود یک فئودال بزرگ بود در زمین‌های فئودال‌های دیگر قدرتی نداشت. باز فئودال‌ها به نوبه خود زمین‌ها را به قطعات کوچک‌تری تقسیم می‌کردند و به واسطه‌ها<sup>۱</sup> می‌سپردند تا با بهره‌کشی از سرف‌ها<sup>۲</sup> به تولید بپردازد و مخارج خود، کشاورزان و ارباب را تأمین کند (بلوخ، ۱۳۶۳: ۷). فئودال‌ها بر اساس عرف و قوانینی که وجود داشت کمتر در حوزه همدیگر دخالت می‌کردند و حتی در محدوده اختیارات خود ضرب سکه، دریافت راهداری‌ها، باج و بهره مالکانه داشتند و این امر نشان از عدم قدرت دولت مرکزی است (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۴: ۷). در این نظام دهقانان مجاز نبوده زمین اربابی را ترک کند و این اختیار را نداشت که آزادانه بخواهد به خدمت ارباب دیگری درآیند. در این نظام مالک به سه روش از افراد زبردست بهره می‌جستند: (۱) کار بهره یا همان بیگاری؛ یعنی کار مجانی و اجباری برای ارباب. (۲) بهره جنسی و یا تسلیم مقداری از محصول دامی و زراعی به ارباب. (۳) بهره نقدی و یا همان پرداخت پولی به ارباب.

به‌لحاظ اقتصادی نیز باید گفت در نظام فئودالی می‌توان دید روستاها با فاصله و با جمعیت کم بوده و به‌دلیل نبود ارتباط مناسب به آن صورت، تجارت و بازرگانی به‌صورت توسعه‌یافته وجود نداشت (بلوخ، ۱۳۶۳: ۱۱۸)، همچنین سیستم اقتصادی بسته به طبیعت بوده است بدان معنا که اقتصاد طبیعی به‌معنی دایره بسته و تنگی از تولید است که هدف از آن مصرف داخلی و خودی است؛ یعنی در آن‌جا تولید بیش از آن که هدف مبادله‌ای یا فروشی داشته باشد برای مصرف انجام می‌شود (شرافتی‌مقدم، ۱۳۹۴: ۷)، بنابراین تجارت نیز در این راستا کاسته و تنها اندکی رونق می‌یابد، همچنین لازم به ذکر است که تجارت در این نظام نه تنها به معدودی از راه‌ها محدود بود بلکه از نظر حجم کالا نیز بسیار ناچیز بود و از آن بدتر موازنه‌ی به نحو چشم‌گیری نامساعد بود. غرب از کشورهای شرقی تقریباً چیزی جز چند رقم کالای لوکس دریافت نمی‌کرد که با توجه به هزینه و مخاطرات حمل و نقل صرفه‌ی چندانی

کوچک تقسیم می‌شد و شاه اشکانی بر همه حاکمان محلی سلطه داشت (شایگان، ۱۳۷۸: ۱۰۷). پارت‌ها در مجموع مالک ۱۸ قلمرو پادشاهی بودند که به‌صورت کشوری گسترده، از ساحل دریای خزر تا دریای سرخ کشیده شده بود. از این ۱۸ ایالت حدود ۱۱ ایالت را که از مرزهای ارمنستان و سواحل خزر شروع می‌شد و تا منطقه اسکیت‌ها گسترش می‌یافت، قلمروهای علیا و بقیه را قلمروهای سفلی می‌نامیدند. غیر از این ایالت‌ها، مناطق تابع شاه نیز وجود داشتند که به‌دست خشت‌ریوان یا ساتراپه‌ها (شهربان‌ها) اداره می‌شد، مانند میان‌رودان (ویسپوفر، ۱۳۷۷: ۱۸۳)؛ اگرچه در این دوره تمرکزی که در دوره سلوکیان و هخامنشان لحاظ می‌شد از شدتش کاسته شده است اما فرمانروایان ولایات و ایالت‌های مختلف تا جایی که تعهدات سیاسی و مالی خود را نسبت به حاکمیت مرکزی رعایت می‌کردند استقلال بیشتری داشتند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۴۲). در نظام حاکمیت اشکانی قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی در شهر متمرکز بود و شهرها هسته و کانون قدرت همه‌جانبه به‌شمار می‌رفتند، در واقع شهر مقرر قدرت اقتصادی، تجاری و بازرگانی به‌شمار می‌رفت (Deudney, 1995: 191). با وجود ثنوری-پردازی بسیاری از محققان در زمینه شکل و ساختار حاکمیتی دوره اشکانی باید تأکید کرد که با وجود قلت اطلاعات و معلومات در زمینه حکومت اشکانیان باید از به‌کار بردن مفاهیمی چون نظام ملوک‌الطوائفی بر تمامی دوران اشکانی پرهیز کنیم. با بررسی بر مواد فرهنگی چون سکه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، اشکال متفاوت تدفین و وجود حاکمان محلی در سراسر مرزهای جغرافیایی ایران، می‌توان گفت که ایران همواره دارای تکثرات قومی-جمعیتی متفاوتی بوده است. قلمرو اشکانیان، همانند امپراطوری داریوش یکم سرزمین‌هایی را در برمی‌گرفت که اقوام گوناگون به زبان‌های مختلف در آن صحبت می‌نمودند (ویسپوفر، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

اما در باب نظام فئودالیت در دوره اشکانی می‌توان گفت به‌دلیل تفاوت در نحوه اداره کشور در دوره اشکانیان نسبت به ادوار قبل و بعد خود، بسیاری از پژوهشگران نظام فئودالیت را نظام حاکم در دوره اشکانی بیان می‌دارند. نظام حکومتی فئودالیت اروپای قرن ۵ میلادی تا نیمه دوم قرن ۱۹ در اروپای غربی و در روسیه و اروپای شرقی از قرن ۹ میلادی تا نیمه دوم قرن ۱۹ را در برمی‌گیرد. این

آکر "زمین داشته است. در این دوره دهقانان اجاره قطعه زمین خود را به‌صورت جنسی یا نقدی به ارباب پرداخت می‌کردند و آن قطعه زمین را بر پایه مزارعه کاری کشت می‌کردند. علاوه بر آن نظام برده‌داری یکی دیگر از عناصر فئودالی در سده سوم ق.م به‌عنوان شیوه تولید سازمان-یافته در دوره کلاسیک یونان و روم بوده است. براین اساس تمامی زمینه‌های فئودالیت پیش از فروپاشی امپراطوری روم وجود داشته است که این امر می‌تواند در زمینه مطالعات تطبیقی با دوره اشکانی کمک نماید (آندرسون، ۱۳۸۸: ۷۷-۱۲۲).

## ۲- بررسی ساختار نظام حکومتی ملوک‌الطوائفی و فئودالیت در ایران اشکانی

در بحث ملوک‌الطوائفی باید به ریشه‌شناسی این واژه برای درک مفهوم آن پرداخت. این واژه که از نظر کارکرد با «کتک خوتائی» نزدیکی دارد، در اصل برگردانی از آن است و تنها بخشی از مفهوم شهریاری در دوره اشکانی را در بر دارد. «کتک خوتایی» در معنای «کده» و «خانه» و به‌معنای «سرور» و «خدا» آمده است. به‌طور کلی کتک خوتایان یا شاهک‌نشین‌های دولت اشکانی، که در متون پهلوی و اسلامی به فراوانی به‌عنوان ملوک‌الطوائف از آنان یاد شده است به تعبیر دقیق‌تری فرمانروایانی بودند که زیر نظر شاهنشاه حکومت می‌کردند. می‌توان چنین تصور کرد که در زمان سلطنت برخی شاهان اشکانی که اقتدار کمتری داشته‌اند شاهک‌نشین‌هایی که زمینه‌های استقلال بیشتری داشته‌اند نافرمانی کرده و تمایلات استقلال-طلبانه‌ای داشته‌اند. در عوض زمانی که پادشاه مقتدر بود (همچون مهرداد اول) تمرکزگرایی و اعمال نفوذ بیشتر شده و قدرت از آنان کاسته می‌گشت (نادری، ۱۳۹۷: ۱۱۱). در این باره پژوهشگران بر این نظریه‌اند که پادشاه اشکانی را شاه شاهان می‌خواندند و نظام دولت اشکانی را از آن رو ملوک‌الطوائفی می‌دانستند که نه استبداد و مرکزیت هخامنشی و نه جمهوریت روم را داشته است (شایگان، ۱۳۷۸: ۱۰۵). شاهان اشکانی هر گاه دارای قدرت زیادی بودند از ولات و ملوک‌الطوائف پیشکشی می‌گرفتند و آن‌ها در وقت لزوم، قشونی به کمک شاهنشاه می‌فرستادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۳۴). اما در باب ملوک‌الطوائفی اشکانیان کمی با احتیاط باید سخن گفت؛ چرا که در دوره اشکانیان، ایران به دویست و چهل دولت

بازرگانی به نحوی بود که در آمد آن نه تنها عاید تولیدکنندگان و بازرگانان می‌شد، بلکه دولت از این طریق هزینه‌های نظامی، فرهنگی، شهرسازی و سایر نظام‌های مالی خویش را نیز تأمین می‌کرد (خدادادیان، ۱۳۸۶: ۲۸۴). از دیگر مؤلفه‌های که نظام فئودالیتیه در دوره اشکانی را رد می‌کند شبکه‌های ارتباطی و راه‌های تجاری است؛ چرا که بر خلاف نظام فئودال که بسیار بسته بوده است در این دوره ما شاهد راه‌های تجاری و شبکه‌های ارتباطی به دیگر نقاط جهان من جمله: چین، روم، هند، عربستان، آفریقا و ... هستیم که هم نوع ارتباطات این دوره و هم نوع تجارت و اقتصاد آن را بیان می‌دارد (تشکری، ۲۵۳۶: ۲۱).

به‌لحاظ پولی نیز می‌توان گفت اشکانیان با نظام پولی یک‌دست به مبادله می‌پرداختند برخلاف نظام فئودالیتیه که به‌صورت پراکنده و با ارزش ناچیز ضرب می‌گردید. اساس نظام پولی در این دوره بر اساس ارزش فلز نقره بود. ضرب این سکه‌ها معمولاً در مهمترین ضربخانه‌های مجهز و معروف سلوکیه، تیسفون و اکباتان انجام می‌گرفت. سکه‌های هر ضربخانه با علامت همان ضربخانه انجام می‌شد. علاوه بر آن سکه‌هایی مخصوص جنگ و سکه‌های سیار با نام *Katas trateia* نیز ضرب می‌شده است (آلارم، ۱۳۸۴: ۳۱). در این دوره معاملات با استفاده از دیگر مسکوکات نیز رایج گشت همچون سکه‌های سیمین، برنزی. حتی در اسناد اورامان مشاهده می‌کنیم که مناسبات پولی در جماعت روستایی حتی در نواحی دور افتاده ایران نیز وجود داشته است (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۷۰). اگرچه محققانی همچون فرای معتقداند که نظام حکومتی اشکانیان، ساده شده نظام فئودالیتیه اروپایی غربی است، که در آن نظام روستاییان متعلق به یک مالک بوده و به دستور او به هنگام ضرورت به پیکار می‌رفتند (فاضلی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۲۵). اما با بررسی موارد بیان شده، نظام فئودالیتیه را به‌راحتی نمی‌توان به این دوره اطلاق نمود

### ۳- تحلیلی بر تمرکز و یا عدم تمرکز ساختار حکومتی اشکانیان

در ابتدای بحث آنچه که بیان شد نوع حکومت ساختاری اشکانیان به‌صورت غیر متمرکز بود که توسط اکثر پژوهشگران بیان می‌گردد در نتیجه برای بهتر روشن شدن این نوع ساختار برای نظام حکومتی اشکانیان به توضیح

نظام در هر کشوری با ویژگی‌های مشخص خود وجود داشته است، اما متأسفانه واژه‌های معادل با واژه فئودالیسم در فارسی و پهلوی اشکانی نداریم که بتوان آن را جایگزین کرد. با این حال نمی‌توان واژه ای که مربوط به ساختار حاکمیتی اروپای قرن ۵ تا ۱۹ است را به این دوره یعنی بازه زمانی ۲۴۷ ق.م تا ۲۲۴ ق.م اطلاق کرد (کامران و کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۷۰) و ساختار حاکمیتی این دوران را مشابه فئودالیسم اروپایی دانست. در این قسمت برای اثبات این موضوع به بررسی تطبیقی میان چند ویژگی نظام فئودالیتیه با نظام حکومتی اشکانیان پرداخته می‌گردد. با توجه به آن که بحث در این زمینه بسیار گسترده و خارج از حوصله این بحث است در نتیجه به ذکر چند مورد اما بسیار اساسی بسنده می‌کنیم.

در دوره اشکانیان پادشاه و بزرگان زمین‌های خود را به مردان و جوانان جویای کار می‌دادند (خدادادیان، ۱۳۸۶: ۲۷۳) و سیستم بهره‌کشی اقتصادی در آن به‌معنای آن‌چه که در نظام فئودالیتیه مشاهده می‌گردد وجود نداشته است. با مشاهده در تقسیم‌بندی زمین‌ها در این دوره مشاهده می‌گردد که زمین‌ها تنها برای بزرگان و خاندان‌ها به‌صورت انحصاری نبوده است چراکه ما ۵ تقسیم‌بندی در این زمینه مشاهده می‌کنیم.

۱- زمین‌هایی که به دربار تعلق داشت و شخص پادشاه و عوامل او بر این زمین‌ها و محصولات نظارت داشتند.  
 ۲- زمین‌هایی که از طرف پادشاه به‌صورت تیول به ساتراپ‌ها واگذار می‌گشت که درآمد آن صرف امور لشکری و کشوری می‌شد.  
 ۳- زمین‌هایی که موقوفه معابد و آتشکده‌ها بود.  
 ۴- زمین‌هایی که به خرده مالکان آزاد تعلق داشت و دولت از آنان مالیات دریافت می‌کرد.  
 ۵- زمین‌هایی که املاک شخصی شهروندان پارتی بود و این املاک مورثی بوده و نسل به نسل به‌صورت ارثیه واگذار می‌شد (نساجی زواره، ۱۳۹۴: ۲۹).

بنابراین زمین‌ها تنها در اختیار بزرگان و به‌صورت بهره‌کشی اقتصادی همچون نظام فئودالیتیه نبوده است.

در زمینه اقتصاد نیز بر خلاف نظام فئودالیتیه که با نظام بسته روبه‌رو می‌باشیم. در دوره اشکانی مشاهده می‌کنیم که نظام اقتصادی باز بوده و به‌صورت بین‌المللی صورت می‌پذیرفته است به‌عنوان مثال جاده تجاری خراسان بزرگ یا همان جاده بین‌المللی ابریشم. در این دوره تجارت و

هر یک از ایلات‌های دولت اشکانی را "Regan" یا پادشاهی تلقی کرد که در رأس آن پادشاهی وجود داشت که این امر به خودی خود ملوک‌الطوائفی و قدرت‌خاندان-ها و عدم تمرکز حکومت مرکزی را نشان می‌دهد در صورتی که با کمی دقت می‌توان دریافت که یونانی‌ها و رومی‌ها در برخورد با نظام سیاسی ایران از واژگانی بسیار نزدیک به زبان خود استفاده کرده‌اند. ولسکی با مطالعه نظریه استرابون و همچنین سنجیدن آن با شرایط ساسانی به این نتیجه رسیده است که: «منظور از استرابون از لفظ شاه، انتخاب شاهنشاه یا شاه شاهان نیست بلکه انتصاب فرمانروایان ایلات از میان اعضای مهستان که لقب ایران «بستیخ<sup>۳</sup>» و یا «ویستخ<sup>۴</sup>» داشته‌اند بوده است».

مسلماً مجلس همیشه با قدرت و توانگری بزرگان مواجه نبوده است چنان‌چه در زمان مهرداد یکم و دوم اعمال نفوذی از اشراف و انجمن‌های مشورتی مشاهده نمی‌گردد. بنابراین بر اساس نظریه ولسکی نباید در میزان قدرت مجلس در این دوره بیش از حد اغراق نمود؛ چرا که هنگامی که پادشاهی به قدرت می‌رسید می‌توانست با کمال خودکامگی فرمانروایی کند. در این زمینه کریستین-سن عقیده دارد که: «سلطنت اشکانیان اگرچه هرگز به قدرت و ثبات سلطنت هخامنشی نرسید ولی صورتاً حکومت آنان استبدادی بود. اختیارات شاهنشاه محدود به قانون نبود و اگر بخت و اقبال او را یار می‌شد و موانع را برمی‌داشت با کمال استبداد و خودسری فرمانروایی می‌کرد» (کریستین سن، ۱۳۹۳: ۴۹).

بنابراین با نگاه به نظام انتخابی پس از انتخاب جانشین پادشاه و معرفی به مجلس سنا، نمایندگان خاندان‌ها وی را تأیید می‌نمودند و بیشتر بزرگان در این مجلس سعی بر انتخاب فرماندهان جنگی و نیز رهبران سیاسی را داشتند و عملاً تأیید ولیعهد توسط دو مجلس حالت تشریفاتی داشته است. مگر آن‌که در مواردی ولیعهد و یا شاه بعدی بر خلاف سنن ایرانی عمل کرده باشد، دارای قدرت چندانی نبوده باشد و یا آن‌که جایگاه بزرگان در خطر باشد، در این حالت نیز فقط تنها افرادی در مجلس به خود جسارت مخالفت می‌دادند، که یک از خاندان اصلی اشکانیان بوده باشند، دوم آن‌که در مجلس نفوذ بسیاری داشته باشند و سوم آن‌که از حمایت قدرت‌های خارجی برخوردار بوده باشند؛ آن‌گاه عزل صورت می‌گرفت هم‌چون پادشاه ونون. اما این امر هر زمان و توسط مجلس صورت

نظام متمرکز و غیر متمرکز پرداختیم. در این قسمت از پژوهش نیز برای روشن شدن نوع حاکمیت متمرکز و غیر متمرکز به مطالعه تطبیقی این اصطلاحات با نوع ساختار حکومتی اشکانیان می‌پردازیم.

همان‌طور که می‌دانیم روند تأسیس و زوال حکومت‌ها به-ویژه حکومت‌های مقتدر دارای مراحل است؛ اگرچه ممکن است در هر حکومتی تمامی مراحل به وقوع نپیوندد اما به-صورت کلی بدین شرح است:

۱- مرحله اول دوران پیروزی و دستیابی به قدرت و تشکیل حکومت.

۲- مرحله دوم خودکامگی: حاکمیت به وجود آمده به شدت در پی گسترش و تثبیت نظام و قدرت مطلقه بوده است.

۳- مرحله سوم مرحله آسودگی و آرامش: یعنی توسعه داخلی از طریق گسترش شهره و تولید ثروت و درآمد با هدف پر کردن خزانه و تولید ثروت، تملک املاک، ایجاد درآمد و ایجاد قدرت اقتصادی.

۴- مرحله تثبیت نهایی دولت و برخورداری از نعمات به دست آمده

۵- مرحله اسراف و تبذیر و راه‌یابی فرسودگی و زوال به دولت و در نهایت انقراض (خدیوی، ۱۳۸۷: ۹۱).

طبق این مراحل نبود استبداد و نبود ساختار حکومتی مرکزی به‌ویژه به صورت متمرکز امکان به وجود آمدن حکومت‌ها میسر نمی‌باشد. بنابراین می‌توان برای مراحل اول، دوم و سوم نوعی حکومت استبدادی و هم‌چنین به-صورت متمرکز تعمیم داد، اما برای اثبات این سخن که در دوره اشکانیان نیز نوعی استبداد شاهنشاهی رواج داشته است باید به نوع حکومت‌داری و چگونگی انتخاب پادشاهی در این دوره نیز اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین منابع در زمینه حکومت‌داری اشکانیان منابع یونانی و رومی است که بسیاری از پژوهشگران بدان اشاراتی می‌کنند؛ اما نکته اساسی که در این زمینه وجود دارد تحلیل معنایی واژگان مصطلح در تاریخ غرب و نوع دیدگاه نویسندگان غربی برای نگارش حکومت‌های شرقی است. در این میان یکی از واژگان دارای ابهام لفظ «شاه» و «شاهنشاه» در منابع تاریخی غربی است که از سوی نویسندگان یونانی و رومی بیان شده است. بنابراین آن‌ها



استیلاي قدرت اشکانیان بوده است. از مهم‌ترین ضرابخانه‌های این دوره عبارتند از: نیسا، مهرداد کورت، هگمتانه، شوش، سلوکیه، رگا، سیرینک، مرو، تراکزیان، خرتکس، تیسفون، هرات، هراکلیه، تامبراکس، فیلاس، ضرابخانه درباری، کنگاور، آپامیا، لائودسیه نام برد، هم‌چنین بر روی سکه‌ها علائم دیگری نیز وجود داشت که نشان از مأمور یا قاضی است که تحت نظارت وی سکه ضرب می‌شده است (همان: ۳۲۴) این عمل نشان از نظارت قدرت مرکزی بر نظام پولی این دوره است، اگرچه در این دوره حاکمان محلی که به‌صورت نیمه‌مستقل بودند حق ضرب سکه داشتند همچون فره‌داران پارس و الیمایی‌ها (آورزمانی و سرفراز، ۱۳۸۰: ۵۰۷) اما حق نوشتن «شاه شاهان» بر روی سکه‌های خود را نداشتند (محمدی‌فر، ۱۳۸۶: ۱۲۴). که این امر به نوبه خود تحت فرمان شاهنشاه بودن حاکمان نیمه‌مستقل را نشان می‌دهد

در بحث حکومت‌های نیمه‌مستقل قدرتمند هم‌چون الیمایی‌ها نیز باید اذعان داشت که اشکانیان بر این قسمت‌ها نظارت داشته و در صورت عدم پذیرش شاهان اشکانی از سوی آنان با مشکلاتی همراه می‌شدند. به‌طور مثال ایلامی‌های از حکومت‌های مقتدر هزاره دوم ق.م هستند که حتی پس از دوره هخامنشی در منطقه جنوب غربی ایران به‌صورت منطقه‌ای حکومت می‌کردند. از عیلامی‌ها با لفظ الیمایی در منابع یونانی و لاتین یاد شده است. الیمایی‌ها تا حد زیادی در برابر تحمیل سلطه بیگانه از سوی جانشینان اسکندر؛ یعنی امپراطوران سلوکی ایستادگی کردند. با کم شدن قدرت سلوکیان در شرق مجالی برای تقویت الیمایی‌ها فراهم گشت، اما دیری نگذشت که آنان شاهد حضور قدرتی به نام پارتیان شدند. در این میان هم پارتیان و هم سلوکیان خواهان سلطه بر این منطقه بودند؛ اگرچه بعد از کمتر شدن قدرت سلوکیان در شوش شاهد ضرب سکه‌هایی با نام کمینیس کیرس اول، نیکفورس الیمایی هستیم، اما وجود سکه‌هایی از مهرداد اول (شکل ۱) و پسرش فرهاد دوم که در شوش ضرب شده است نشان قاطعی از سلطه وی بر این شهر در زمان اشکانیان است (Sellwood, 1980: 45). از این دوره به بعد ما شاهد ضرب سکه از سوی اشکانیان در شوش هستیم که نشان از تمرکز دولت مرکزی بر منطقه قدرتمند شوش است.

نمی‌پذیرفت و نباید این گونه جابه‌جایی‌ها را تعمیم به کل پادشاهی داد و آن را به‌صورت ملوک‌الطوایفی، غیر متمرکز و غیر استبدادی محسوب کرد (فاضلی و احمدی، ۱۳۹۷: ۱۳۸-۱۴۰).

#### ۴- بررسی قدرت حکومت مرکزی اشکانیان بر اساس شواهد باستان‌شناختی

دو مدرکی که به‌درستی نشان‌دهنده حضور و تمرکز پادشاهان اشکانی بر ایلات متصرفه آنان است یکی وجود ضرابخانه‌ها و سکه‌های ضرب شده و دیگری نقوش برجسته‌ها است. این مدارک دلیل متقنی است بر قدرت شاهان اشکانی، نظارت و اعمال قدرت و حضور قدرت مرکزی بر ایلات متصرفه است.

#### ۱-۷- سکه‌های اشکانی

سکه‌های اشکانی اسناد و مدارک مهمی از فرهنگ و تمدن و اوضاع اقتصادی و سیاسی آن دوران هستند. مطالعه و بررسی سکه‌های اشکانی به‌صورت جامع‌تری می‌توانند اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه تشکیلات و تقسیمات مملکتی، مالی، قدرت یا ضعف دستگاه حکومتی اشکانیان در اختیار ما قرار دهد. شاهان اولیه پارت پس از ضرب سکه القابی برای خود بر روی سکه‌ها به کار بردند تا برابری خود را با همسایگان و دیگر حکومت‌ها نشان دهند. در ابتدا نام شاهان اولیه به‌صورت ساده «شاه اشک» یا «شاه بزرگ اشک» روی سکه نقر می‌شد. اولین سکه پارت که از اشک اول مؤسس سلسله پارت است عنوان «اتوکرات» یعنی خودمختار دیده می‌شود. پس از آن دیگر شاهان بعد از به دست گرفتن قدرت و استوار شدن پایه‌های حکومتی دیگر القاب را برای خود انتخاب کردند؛ همچون فرهاد اول که لقب «پادشاه بزرگ» را برای خود اختیار می‌کند و یا مهرداد اول که خود را «شاهنشاه» (همچون لقب شاهان هخامنشی) می‌خواند و باز نیز سلاطین بعدی القابی بالاتر از آن را برمی‌گزینند (درخشی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۳۲۳). این القاب نشان قدرت و تسلط نظام حکومتی اشکانیان برای نشان دادن به همسایگان و دیگر قدرت‌ها بوده است. از دیگر نشانه‌هایی که تمرکز نظام حکومتی اشکانیان را به نمایش می‌گذارد نام شهرهایی است که ضرابخانه‌ها در آن-جا به ضرب سکه می‌پرداختند. شهرهایی مهمی که تحت



شکل ۱- سکه‌ای از مهرداد اول - محل ضربخانه شوش (Vanden berghe and schippmann, 1985)

(حدود ۴۰-۴۵ میلادی) و گودرز دوم (حدود ۵۱-۴۰ میلادی) در شوش. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که ضربخانه‌های پادشاهان پارتی در شوش از حدود ۱۳۸ ق.م تا نیمه سده نخستین میلادی فعال بوده‌اند (potts, 1999): 602.

هم‌چون سکه‌هایی مربوط به اردوان اول (۱۲۴-۱۲۷ ق.م)، مهرداد دوم (۱۲۸-۱۲۳ ق.م) (شکل ۲)؛ گودرز اول (۹۰-۹۵ ق.م)، سناتروک (۷۵ ق.م)، فرهاد سوم (حدود ۷۰-۵۷ ق.م)، مهرداد سوم (حدود ۵۷-۵۴ ق.م)، اردوان دوم (حدود ۵۷-۳۷ ق.م)، فرهاد چهارم و ملکه اش موزا (حدود ۲ ق.م-۴ میلادی)؛ اردوان دوم (۱۰-۳۸ میلادی)، وردان اول



شکل ۲- سکه‌ای از مهرداد دوم محل ضربخانه شوش - (سلوود، ۱۳۷۳: ۹۵)

چگونگی نبرد و پیروزی؛ چراکه شاهان بیشتر برای نشان دادن قدرت و عملکرد سیاسی خود به دیگران به ترسیم این نقوش می‌پرداختند.

از آن‌جا که نقوش برجسته زیادی از دوره اشکانی به‌جای مانده و پرداختن به تمامی آن‌ها خارج از حوصله بحث است تنها به نقوش برجسته‌هایی می‌پردازیم که در ارتباط با موضوع پژوهش است. به‌ویژه در منطقه الیمایی‌ها که به‌صورت نیمه‌مستقل حکومت می‌کردند.

اولین نقش برجسته اشکانی که بسیار مهم است، نقش برجسته مهرداد دوم در بیستون است که به‌لحاظ طراحی در موقعیت استراتژیکی بسیار مناسبی قرار دارد. در این نقش برجسته بر اساس کتیبه به‌جای‌مانده که قدمت آن به ۱۲۳ ق.م می‌رسد نام ۴ تن ذکر شده است اولی «گوتازرس اول» ساتراپ ساتراپ‌ها، اسم دوم محو شده

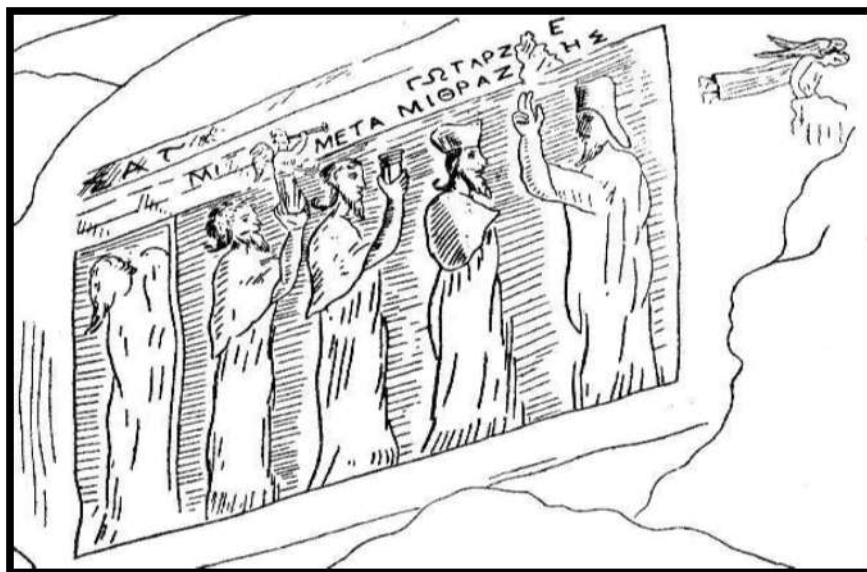
در مورد پارس و سایر بخش‌های امپراطوری نیز باید اذعان داشت پارتیان هنگامی که حاکمیت خود را بر این مناطق استوار کردند، امیران یا شاهان محلی که از جانب سلوکیان قدرت گرفته و یا مستقل شده بودند، تنها زمانی که حاکمیت پارتیان را می‌پذیرفتند در سر جای خود ابقا می‌شدند. این پذیرش در عین حال به‌معنای وجود شرطی برای تأیید حق ضرب سکه محلی و سایر حقوق قانونی بوده است (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۸۶).

## ۲-۷- نقوش برجسته‌های اشکانی

نقوش برجسته یکی از داده‌های مهم باستان‌شناختی است که اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. به‌طور مثال حضور شاهان در منطقه، چگونگی به قدرت رسیدن، چگونگی اعطای قدرت به زیر دستان و

دست گرفتن قدرت توسط مهرداد دوم و حضور بزرگان به-روشنی قابل مشاهده است (شکل ۳).

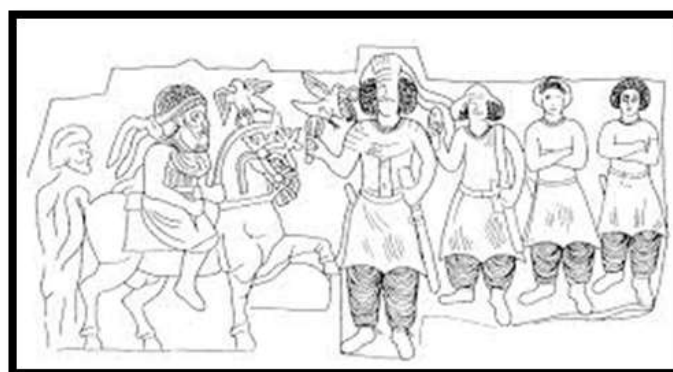
است، اسم سوم «میترا داتیس» مورد اعتماد شاه و چهارمین نفر «گوفاستاس» وابسته به خاندان سورن (پاکزاد و عزیزپور، ۱۳۹۷: ۴). در این نقش برجسته به-



شکل ۳- نقش برجسته مهرداد دوم- بیستون (پاکزاد و عزیزپور، ۱۳۹۷: ۱۶)

ادای احترام می‌کنند (شکل ۴). که این امر تمرکز سیاسی و اعمال قدرت استبدادی را بیان می‌دارد. دو چهره بسیار مهم در نقش برجسته یکی "مهرداد اول" شاهنشاه اشکانی و دیگری "کب نشکیر" فرماندار شوش است.

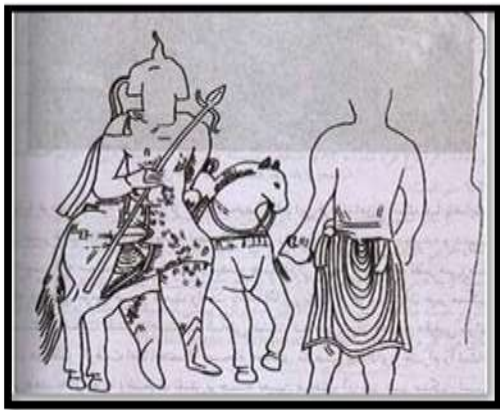
یکی دیگر از نقوش برجسته‌های مورد مطالعه، نقش برجسته خونگ نوروژی در نزدیکی ایذه، در مال امیر است که نقش مهرداد اول را نشان می‌دهد. در این نقش برجسته الیمایی‌های شکست‌خورده در برابر مهرداد اول



شکل ۴- نقش برجسته خونگ نوروژی . (Gaderi and et al, 2015: 76)

سبک پارتیان پوشیده است ( Vanden berghe & Schippmann, 1985: 115). مرد سوار بر اسب، فرهاد اول است (Hinz, 1963: 98) (شکل و طرح ۵) که نشان‌دهنده استیلای قدرت فرهاد اول بر این مناطق است.

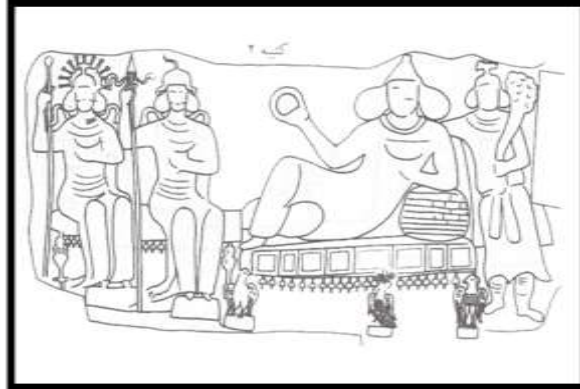
از دیگر نقوش برجسته؛ نقش برجسته خونگ کمالوند در شمال غربی دشت مال امیر (ایذه) است. در سمت چپ مردی سوار بر اسب دیده می‌شود، مرد سوار کلاه خودی پردار با نواری بلند بر سر گذاشته، پیراهن و شلواری به



شکل ۵ - نقوش برجسته خونگ کمالوند (Vanden berghe and schippmann, 1985)

نشسته‌اند و در طرف راست وی نیز شخصی ایستاده است (Vanden berghe & schippmann, 1985) (شکل ۶) این نقش برجسته صحنه اعطای منصب از سوی ارد است، زیرا او نیم تاجی را که نشانه تاج‌گذاری است به فرماندهان تحت حکومتش نشان می‌دهد (Hening, 1977)، بنابراین نقوش برجسته‌های این دوره نیز نمادی از حضور شاهان اشکانی و تسلط بر مناطق نیمه مستقل حکومتی است.

از دیگر نقوش برجسته‌های مهم این دوره، حجاری‌های تنگ سروک است که از سوی بارون دوبد کشف گردید (De bode, 1845). پس از آن احتشام‌الدوله والی شیراز، بارها از تنگ سروک دیدن کرد و طرح‌هایی از نقش برجسته‌ها و کتیبه‌ها تهیه نمود. نقش برجسته شمال شرقی مردی لمیده بر تختی با شکوه را نشان می‌دهد که در سمت چپ او دو نفر روی نیمکتی با حاشیه منگوله‌دار



شکل ۶- تنگ سروک III سطح شمال شرقی، صحنه بالایی (Gaderi and et al, 2015: 76)

قابل بحث در میان پژوهشگران و مورخان بوده است اما هیچ‌کدام به بیانی روشن و متقن به ساختار حاکمیتی این دوره با توجه به مدارک و شواهد موجود نپرداخته‌اند و هر کدام تئوری و انگاره‌ای متفاوت با دیگری بیان کرده‌اند. در این پژوهش مشخص گردید، اگرچه در این دوره ما شاهد مجلس سنا و مغان می‌باشیم، اما در زمینه قدرت و نفوذ بر خاندان شاهانشاهی نباید دچار گزافه‌گویی شد؛ چرا که با توجه به قدرت پادشاه قدرت خاندان‌ها محدودتر و تنها برای گرفتن منصب‌ها در مجلس سنا به مجادله می‌پرداختند و موقعیت خود و خاندان خود را به خطر نمی‌انداختند و تنها در پاره‌ای از موارد خاص (که قبلاً بدان

### نتیجه‌گیری

ساختار حاکمیتی اشکانیان در ایران باستان بسیار متفاوت و پیچیده‌تر نسبت به دوران قبل و بعد خود؛ یعنی هخامنشیان و ساسانیان بوده است و به همین علت است که بسیاری از پژوهشگران از واژه‌های متعددی برای ساختار حکومتی این دوره بیان کرده‌اند، همچون: ملوک- الطوایفی، فئودالیسم، سرواژی، فدرال و ... ، اما این واژه‌ها هر کدام مربوط به دوره و تاریخ خاصی از سرزمین‌های جهان هستند و به راحتی نمی‌توان در بازه زمانی مورد نظر یعنی ۲۴۷ ق.م - ۲۲۴ پس از میلاد مورد استفاده قرار داد. نحوه اداره سیاسی کشور در دوره اشکانیان موضوعی

که همین عامل شبهه ملوک‌الطوایفی را برای دولت اشکانی ایجاد کرده است. اما در هر دو صورت قدرت مرکزی دارای رسمیت بوده و توانایی قانون‌گذاری را داشته است. در بسط متمرکز نمودار قدرت سیاسی به صورت عمودی بوده؛ یعنی پادشاه بیشترین قدرت و سطوح پایین‌ترین حالت اجرایی و کمترین اختیارات را دارا بوده‌اند اما در بسط غیر متمرکز اگرچه پادشاه دارای قدرت و اختیارات بوده است اما سطوح پایین‌تر نیز دارای قدرت و اختیارات بیشتری نسبت به بسط متمرکز داشته‌اند. لازم به ذکر است که حتی در نظام بسط متمرکز همان‌طور که قبلاً بیان شد به دلیل جغرافیای گسترده، تکثر گروه‌های نژادی، عدم فقدان یک پارچگی و تجانس ساختاری و ... ما شاهد انواع چالش‌ها و عدم تمرکز در بخش‌هایی از حکومت هستیم و یا بالعکس در بسط غیر متمرکز نیز در همه بخش‌ها ما شاهد عدم تمرکز نمی‌باشیم. لازم به ذکر است که حتی در بیان لفظ عدم تمرکز نیز باید بسیار احتیاط کرد، چرا که در درجه اول این اصطلاحات بسط متمرکز و غیر متمرکز اطلاق برای کل دوران پادشاهی اشکانیان نیست و باید هر دوره پادشاهی را با توجه به شواهد و قرائن باستان‌شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار داد و دوم آن که هنگامی که از لفظ غیر متمرکز استفاده می‌گردد باید زمینه و حوزه آن را نیز مشخص نمود به‌طور مثال عدم تمرکز در بخش سیاسی بوده، یا در بخش اداری، اقتصادی، تجاری، منطقه‌ای و ... ، چرا که عدم تمرکز در تمامی بخش‌ها فروپاشی شاهنشاهی را منجر می‌گردد، بنابراین نزدیک‌ترین گزینه برای حکومت‌داری دوره اشکانیان نوع بسط است که با توجه به پادشاهی هر پادشاه می‌تواند یا از نوع بسط متمرکز و یا از نوع بسط غیر متمرکز محسوب گردد.

#### پی‌نوشت

- ۱- واسال یا پیرو
- ۲- کشاورزیان و رعایا
- 3- Bistax
- 4- Vistaxa

پرداخته شد) مشاهده می‌کنیم که مجلس ولیعهد و یا پادشاهی را از قدرت معزول کرده است، اما برای شناخت ماهیت ساختاری این دوره به بررسی و تحلیل ساختار نظام حکومتی فئودالیسم، فدرالی، ملوک‌الطوایفی و بسط متمرکز و غیر متمرکز پرداخته شد و مشاهده می‌کنیم که ویژگی‌های نظام فئودالیستی با توجه شواهد به‌جای‌مانده از دوران اشکانی از منظر اقتصاد، تجارت، تقسیم املاک و هم‌چنین سیستم نظارت منطقه‌ای با حکومت‌داری این دوره تطابق نداشته در نتیجه سیستم فئودالیستی را نمی‌توان برای ماهیت حکومت‌داری اشکانیان مطرح کرد. در زمینه حکومت فدرالی نیز مشاهده می‌شود که در سیستم فدرالی حکومت مرکزی، موجودیت قانونی خود را از حکومت‌های محلی کسب نمی‌کند و نمی‌تواند نظر خود را به آن‌ها دیکته کند در صورتی که با توجه به مدارک یعنی نوشته‌های به‌جای‌مانده و نقوش برجسته‌های اشکانی، پادشاه و یا قدرت مرکزی تمامی مناطق متصرفه خود را تحت کنترل و اعمال نظر خود داشته است. در باب ملوک‌الطوایفی که از نظر کارکرد با واژه «کتک خوتائیه» نزدیک است به‌معنای شاهک‌نشین‌های دولت اشکانی است که تحت امر شاهنشاه قرار داشتند. اگرچه در این دوره به دلیل تسامح مذهبی، اجتماعی و ... قبایل مختلف ایران دارای قدرت بیشتری گردیدند اما حدود اختیارات آنان بر اساس قدرت و تصمیمات دولت مرکزی و پادشاه بوده است که این امر را نیز می‌توان از روی سکه‌ها، نقوش برجسته و نوشته‌های به‌دست آمده که در این پژوهش بیان گردید مشاهده کرد و اما در زمینه بسط متمرکز و غیر متمرکز همان‌طور که بیان گردید در هر دو صورت، نظام سیاسی و قانون‌گذاری متمرکز می‌باشد، اما در بخش اداری و خدماتی دارای تفاوت بوده‌اند؛ یعنی هنگامی که پادشاه دارای قدرت استبدادی بیشتری بوده است سطوح پایین‌تر بیشتر حالت اجرایی در کنار اختیارات محدود خود، داشته‌اند و هنگامی که دارای قدرت کمتری بوده و دولت دچار ضعف بوده است، امور اداری و اختیارات بیشتری به مناطق، برای حمایت بیشتر دولت مرکزی واگذار می‌گردید

#### کتاب‌نامه

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۷۱. *درالتیجان فی التاریخ بنی‌الاشکانیان*. به کوشش نعمت احمدی، تهران: اطلس.
۲. آریان پور کاشانی، منوچهر، ۱۳۸۷. *فرهنگ یک جلدی پیشرو آریان پور انگلیسی-فارسی*. تهران: جهان رایانه.

۳. آلام، ام، ۱۳۸۴، «سکه‌های اشکانی»، مجله آموزش تاریخ، شماره ۱۸، ۳۰-۳۲.
۴. آندرسون، پیر، ۱۳۸۸. گذار از عهد باستان به فئودالیسم. ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر ثالث.
۵. آورزمانی، فریدون، سرفراز، علی اکبر، ۱۳۸۰. *سکه‌های ایران: از آغاز تا دوره زندیه*. تهران: انتشارات سمت.
۶. بلوخ، مارک، ۱۳۶۳. *جامعه فئودالی*. جلد اول، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نشر آگاه.
۷. پاکزاد، سودابه، عزیزی‌پور، طاهره، ۱۳۹۷، «مقایسه تطبیقی نقوش برجسته دوره اشکانی و ساسانی استان کرمانشاه از منظر زیباشناسی»، *فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی ایران واحد شوستر*، شماره ۱۵، ۲۱-۱.
۸. تسلیمی، محمد سعید، مشعلی، بهزاد، ۱۳۸۴، «طراحی الگوی استقرار نظام فدرال اداری در ایران»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۹، شماره ۲، ۱۵۸-۱۸۷.
۹. تشکری، عباس، ۲۵۳۶. *ایران به روایت چین باستان*. تهران: موسسه روابط بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا، رومینا، ابراهیم، احمدی‌ور، زهر، فانی، علی اصغر، ۱۳۹۲، «مدیریت سیستم فضا در سیستم‌های بسیط متمرکز»، *فصلنامه ژئوپلتیک*، سال نهم، شماره اول، ۳۱-۱.
۱۱. خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۶. *تاریخ ایران باستان*. جلد ۲، تهران: انتشارات سخن.
۱۲. خدیوی، غلامرضا، ۱۳۸۷، «نگاهی به تحولات اجتماعی ایران از منظر نظریه دوری ابن خلدون»، *مجله فقه و تاریخ - تمدن*، شماره ۱۸، ۱۰۲-۷۵.
۱۳. درخشی، حسن، شهبازی، زهرا، ۱۳۹۴، «نگاهی به سکه‌های اشکانی»، *مجله تاریخ پژوهی*، شماره ۶۲، ۳۳۶-۳۱۱.
۱۴. دیاکونوف، میخایل میخائیلوویچ، ۱۳۵۱. *اشکانیان*. ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
۱۵. زرین‌کوب، روزبه، نادری، فرشید، ۱۳۹۳، «اشکانیان و سنت‌های کهن ایرانی - پابندی یا عدم تقلید اشکانیان به سنت‌ها و موارث فرهنگ ایران»، *مجله جستارهای تاریخی*، سال پنجم، شماره ۲، ۶۳-۴۱.
۱۶. سلوود، دیوید. ۱۳۷۳. *سکه‌های پارتی در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. جلد سوم، گردآوری احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۷. شایگان، حسن، ۱۳۷۸، «دولت و طبقات در دوران اشکانی»، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶؛ صص ۱۱۵ - ۱۰۴.
۱۸. شرافتی مقدم، ابراهیم، ۱۳۹۴. *تحلیلی بر نظام فئودالی در اروپا و ایران*، کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی، دبی - امارات.
۱۹. فاضلی، محمدتقی، احمدی، فرزانه، ۱۳۹۷، «شاه‌گزینی در دوره اشکانیان بر اساس نظریات و منابع تاریخی مورخین داخلی و خارجی»، *پژوهشنامه تاریخ*، شماره ۵۰، ۱۴۱-۱۲۵.
۲۰. کاتوزیان، همایون، ۱۳۷۲. *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
۲۱. کامران، حسن، کریمی‌پور، یدالله، ۱۳۸۱، «مقدمه‌ای بر نظام حکومتی و تقسیمان کشوری در ایران باستان»، *تحقیقات جغرفیایی*، شماره ۶۳ و ۶۴، صص ۱۶۶-۱۷۴.
۲۲. کریستین سن، آرتور، ۱۳۹۳. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
۲۳. محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۶. *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*. چاپ دوم، تهران: نشر سمت.
۲۴. نادری، فرشید، ۱۳۹۷، «مبانی و ریشه‌های مشروعیت شاه در دوره اشکانی»، *مجله تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۳۹، ۳۱-۱۰۷.
۲۵. نساجی زواره، اسماعیل، ۱۳۹۴. «تاریخ ایران باستان: اقتصاد و بازرگانی در عصر اشکانیان»، *مجله رشد آموزش تاریخ*،

۲۶. شماره ۵۸، ۳۱-۲۸.

۲۷. ولسکی، یوزف، ۱۳۸۳. *شاهنشاهی اشکانی*. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.

۲۸. ویسهوفر، یوزف، ۱۳۷۷. *ایران باستان*. ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.

29. schippmann , k.,& Vanden Bergh, L. 1985, *les reliefs rupestres d'Elymaide (iran) de l'epoque parthe* , Publisher: Peeters Publishers
30. Potts, D., 1999, *The Archaeology of Elam*, Cambridge University Press
31. De Bode.C.A. 1845, *Travels in Luristan and Arabistan, London*, vol. I, pp.351
32. Deudney, D. H., 1995. the Philadelphian system: sovereignty, army control, and bance of power in the American states- union, circa 1787-1861", *international organization*. Vol .42, No.2,191- 228
33. Gaderi, A., Nadooshen, F., Mousavi, S.M., & Neyestani, J. 2015. The Influence of Greek Aesthetic Characteristics on Parthian Sculpture: A Review on the Evolution of the Parthian Art. *Intl. J. Humanities*, Vol. 22 (2): 53-58.
34. Hafeznia, M.R, & Kavianirad, m., 2003. A New Approach in political geography of Iran. Tehran: *Samt* (in persian).
35. Hinz, W., 1963, *Persia, C. 2400-1800 B.C*. Cambridge ancient history, University Press
36. Sellwood, D., 1980, *An introduction to the coinage Parthia*, London: spink and son.

